

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم • تلفن: ۴۴۵۳۳۲۷۵

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۲ تیر ۱۴۰۱ • ۲۳ ذی‌القعدة ۱۴۴۳ • ۲۳ ژوئن ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۱۰ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۷ • اذان مغرب ۲۰:۴۵
اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۴۹

شرق

دیالوگ روز

زیر پوست شهر- رخشان بنی‌اعتماد- ۱۳۷۹

طوبا (کلاب آدینه): پیام؟ چه پیامی آقاچون.

همین قدر می‌دونم که به وقتی از هرچی نالیدیم، گفتین جنگه حالا وقتش نیست؛ ما هم دیدیم راست می‌گین، گفتیم چشم، بعدشم که جنگ تموم شد، گفتین کلی خرابی بار اومده این قدر نق نزنین...

باز ندونن رو جیگر کادشیم تا اینکه یکی پیدا شد که می‌خواد به درد دل ما برسه، حالا من اومدم بای صندوق که رأی بدم...

دفاع از توقیف و تنبیه

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حیاط هیئت دولت از تصمیم خود برای توقیف یک فیلم حمایت کرد. به گزارش ایسنا محمدمهدی اسماعیلی گفت: «توقیف فیلم «برادران لایلا» براساس قانون انجام شد». آخرین باری که یک وزیر خود وارد عمل شده بود و تصمیم به توقیف یک فیلم گرفت، زمان وزارت صفارهرندی بود و فیلم «ستوری». سال‌ها بعد حجت‌الله ایوبی به عنوان رئیس سازمان سینمایی از این گفت که فیلم «خانه پدری» مناسب خانواده‌ها نیست. اما در نهایت چند روز اکران شد و بعد از برده پایین کشیده شد. اما اتفاقی که این بار افتاده است شدت عمل و تحقیر بازیگران یک فیلم است که کمتر در تاریخ سینمای ایران سابقه داشته است، به خصوص وقتی در این شرایط این سخنان به معنای تغییر ریل‌گذاری هم هست. به گزارش ایسنا، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پاسخ به پرسشی درخصوص توقیف رسمی فیلم «برادران لایلا» و برخی از اخبار منتشرشده مبنی بر ممنوع‌الکاردن برخی بازیگران این فیلم، اظهار کرد: «من در همین حیاط دولت چندی پیش اعلام کردم که ما در مورد این فیلم طبق قانون عمل می‌کنیم. قانون در این زمینه مشخص بود. دوستان ما در سازمان سینمایی بررسی‌های کاملی انجام دادند. اصرار من این بود که مر قانون رعایت شود و بررسی‌های لازم صورت بگیرد و این اعلام نظر نیز مبتنی بر این بررسی‌ها بوده است. در واقع مجموع افرادی که در این ارتباط تصمیم‌گیر بودند متفق‌القول بودند که این

تخلف صورت گرفته است. البته ممکن است در سال‌های قبل مجموعه وزارت ارشاد و سازمان سینمایی به هر دلیلی در این موضوعات منفعل عمل می‌کردند اما بنای ما در دوره جدید این است که طبق قانون عمل کنیم و تصمیم اخیر نیز طبق قانون اتفاق افتاد». اما نکته‌ای که در این میان مطرح می‌شود این است که حتی در بیانیه اداره کل نظارت بر عرضه و نمایش فیلم اشاره‌ای به هیچ ماده قانونی نشده است، اما تأکید شد: «این فیلم تا اطلاع ثانوی و تا رفع موانع ایجادشده، صلاحیت اخذ پروانه نمایش را نخواهد داشت». به نظر می‌رسد در سیاست‌های جدید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار نیست حمایت از فیلم‌سازان و سینماگران باشد زیرا آن‌طورکه فارس چند روز پیش گزارش کرده، وی از تنبیه سلبریتی‌های سیاه‌نما نیز سخن گفته و قرار است این تنبیه‌ها تبدیل به قانون شود. محمدمهدی اسماعیلی در حاشیه سفر هیئت دولت به اصفهان در پاسخ به سؤال خبرنگار فارس که وزارت ارشاد با سیاه‌نمایی بعضی سلبریتی‌ها به‌ویژه در جریان جشنواره‌های خارجی چگونه رفتار خواهد کرد، اظهار کرد: «با برخورد قاطعی که مجموعه سازمان سینمایی وزارت ارشاد انجام داد، در حال حاضر اقدامات لازم در مسیر قانونی خود در حال طی شدن است و هر کس از قوانین و هنجارهای قانونی کشور عدول و آن را نقض کند، حتما قوانین تنبیهی برای او اعمال می‌شود که در این مورد هم از همین سنت استفاده شده است».

فریدون علی‌مازندرانی*: چند روزی است در

شبکه‌های اجتماعی ویدئویی دست‌به‌دست می‌شود که در آن کارشناسی ا در صداوسیما از شش ماه نخست جنگ می‌گوید. در حضورنداشتن نیروی هوایی ارتش کشور عزیزمان. این ویدئو سروصدای بسیار به راه انداخته و موجب دل‌آزرده‌گی و رنجش خاطر نیروی هوایی و به‌طور خاص خلبانان جنگنده این نیرو شده است. یکی از واکنش‌ها، پاسخ تیمسار براتیور بود که از خلبانان برجسته زمان جنگ هستند. فرماندهی دسته هشت فروندی عملیات ایچ-۳ تنها یکی از دل‌آوری‌های ایشان است که تا ابد در تاریخ جنگ خواهد درخشید. نیروی هوایی ارتش در آسمان پدافند کشور کهکشانی پر از ستارگان درخشان است، اما دیدن این ستارگان چشمانی بی‌نا می‌خواهد. در این یادداشت کوتاه، مستقل از اینکه صحبت‌های آن کارشناس! تظطیع شده یا نشده، در پاسخ به آنچه روی آنتن صداوسیما رفته و در شبکه‌های اجتماعی پخش شده، گوشه‌هایی از حماسه‌های نیروی هوایی در شش ماه نخست جنگ هشت‌ساله را مرور می‌کنیم. اجازه دهید این نکته را صادقانه بگوییم که مخاطب این یادداشت برای ما، حتی بیش از کارشناس صداوسیما، نسل جوان آینده کشور است که باید بدانند ایران چگونه در بی جنگی سخت و طولانی پای‌جا ماند و آنها در پیشرفت نیروی هوایی چه نقشی دارند. جنگ برای نیروی هوایی ارتش از چندین ماه پیش از آغاز جنگ، شروع شد. پس از انقلاب، عده‌ای که یافتن



برای دیدن این برداشت کیوآرکد را اسکن کنید



برداشت

لیدر فوتبال | سیده شهناز رحمانی

نقش نیروی هوایی در ۶ ماه اول جنگ

پاسخی به ادعای آنها که غرش جنگنده‌ها را شنیدند

هدف‌قرارگرفتن جنگنده شهید والامقام، سیدالاسرا، تیمسار خلبان حسین لشکری است. شهید لشکری سال ۵۹ و چند روز قبل از آغاز رسمی جنگ به اسارت درآمد و ۱۸ سال بعد آزاد شد. شرم باد بر کسانی که صدای جنگنده او را نشنیدند. ۳۱ شهریور، جنگ در حالی آغاز شد که ارتش شروع آن را پیش‌بینی کرده و به اطلاع رسانده بود. جنگنده‌های عراقی چندین پایگاه ایران را بمباران کردند. نخستین پاسخ نه فردای آن، بلکه دو ساعت بعد داده شد و جنگنده‌های ارتش پاسخ‌کوینده دادند. پاسخ‌کوینده بعدی روز دوم جنگ بود. ۱۴۰ فروند جنگنده مرز را رد کردند و چندین پایگاه عراق را چنان بمباران کردند که برخی از پایگاه‌ها تا ماه‌ها عملیاتی نبودند. نام آن عملیات کمان ۹۹ بود. در همان آغاز جنگ، دزفول و پایگاه آن در آستانه سقوط بود و این خلبانان نیروی هوایی بودند که تن به ترسک پایگاه ندادند و چنان جنگیدند که صدای غرش جنگنده‌ها در خاطر آنها که گوش شنوا دارند، ماند. نیروی هوایی در همان شش ماه اول جنگ که نیروی زمینی آشفته بود، بار جنگ را به‌تنهایی به دوش کشید. در تمام هشت سال جنگ هم حراست از آسمان میهن با تمام فشارها روی دوش نیروی هوایی بود. در همان شش ماه نخست نیروی هوایی بیش از صد شهید تقدیم کرد و غرش جنگنده‌ها پیام‌آور امنیت ایران بود.

✦ در تهیه این یادداشت مصطفی روستایی و حسن فتاحی نیز همکاری داشته‌اند.

نامشان کار آسانی است، یا از جهل یا از سر خیانت، پرچم فروش جنگنده‌های اف-چهارده را برافراشتند و استدلال می‌کردند که این جنگنده‌ها و دیگر تجهیزات به کار ایران نمی‌آید. ایران با کسی سر جنگ ندارد و ایرانی توان بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته آن زمان را بدون کمک مستشاران خارجی ندارد. فرماندهان آن شرایط پراشوب، سینه سپر کردند و نگذاشتند به تجهیزات نیروی هوایی گزند ی برسد. هرچند برخی از قراردادهای نظامی ایران که حتی پول آن‌هم پرداخت شده بود، ناباورانه، یک‌طرفه لغو شد و حقیقت این است، تاوان آن خطای نابخشودنی را ارتش و مردم پرداخت کردند. نبرد بعدی نیروی هوایی، تهمت کودتا بود. کودتایی که هنوز هم بخش‌هایی از آن تاریک مانده، اما آسیب آن به پیکره نیروی هوایی وارد شد. کودتایی که حتی نامی اشتباه بر آن نهادند. «نوزه» نام یکی از خلبانانی بود که در راه حراست از میهن جان خود را فدا کرد. هنوز آشوب‌های پس از انقلاب ادامه داشت و ارتشی که در کنار مردم ایستاده بود، مورد جفا و بی‌مهری بود. ناخدا هوشنگ صمدی در یکی از گفت‌وگوهایش به‌درستی اشاره کرده بود که ارتش‌نوک هرم فرماندهی خود را از دست داده بود و همین ارتش با تمام نایبامانی‌ها و نامردی‌ها وارد جنگ شد. ۳۱ شهریور ۵۹ سالروز آغاز رسمی جنگ است؛ اما جنگ از چند هفته پیش شروع شده بود و نیروی هوایی درگیر بود. شاهد آن‌هم

شاهنامه‌خوانی

پیران در پناه تقدیر^(۱)



مهدی افشار
شاهنامه‌پژوه

چون روین، فرزند دلاور پیران ویسه، نامه گودرز را به پدر تقدیم کرد و پیران، نامه گودرز را که نکته به نکته پاسخ گفته بود، بازخواند، اندوهی در ژرفای دلش جای گرفت و با خود گفت این چه تلخ تقدیری است میان دو شاه، یکی نیا و دیگری نبیره، چرا باید یک چنین کینه‌ای باشد، سرانجام این کینه چه خواهد بود، تا کی دو لشکر باید روبروی یکدیگر قرار گیرند و سپس در پیشگاه یزدان پاک بنالید: «ای کردگار دادگر، اگر افراسیاب در این کینه‌گاه کشته شود، بخت از ما روی خواهد گرداند و آن‌گاه خسرو از ایران‌زمین به کینه خواهد آمد، در آن زمان شایسته است که یزدان پاک، روان از این تن خسته از جوشن پوشیدن، بیرون کند تا دیدگان من چنین روزی را نبیند و وقتی گردش روزگار به کام آدمی نباشد، زندگی و مرگش یکی است».

پیران در این اندیشه‌های پرتلاطم غرق بود که از سوی ایران آوای کرناها او را به خود آورد و از دو سوی در لشکریان جنب و جوشی پدید آمد و زمین در زیر نعل اسبان دو سپاه به خروش، دو سالار جنگ همانند پلنگ، لشکر خویش را آماده نبرد کردند و به نگاه باران تیر از ابر سپاه مرگ باریدن گرفت و بسیار سرداران بر زمین فروغلتیدند و

معرفی پادکست

چکش



یکی از بهترین‌ترین و پرشنونده‌ترین پادکست‌ها در دسته‌بندی هنر، پادکست فارسی چکش است که توسط صنم حقیقی تهیه و روایت می‌شود. در هر قسمت از این پادکست به یک موضوع حقوقی در هنر پرداخته می‌شود؛ موضوعاتی مانند تاریخچه سانسون در سینمای آمریکا، حقوق سادی و معنوی در صنعت موسیقی ایران یا وضعیت پرونده آخرین ساخته اصغر فرهادی

و... .انتخاب موضوعاتی‌با مضمون حقوق و هنر این پادکست را به یکی از خاص‌ترین پادکست‌های فارسی تبدیل کرده است که تجربه بالای راوی و تسلط آن بر موضوع به زیبایی تجربه شنیداری این پادکست می‌افزاید.

زمانی که خشمم به اوج خود رسید، دو سپاه درهم آویختند و چه بسیار سرها که از تن جدا ماند و چه بسیار تن‌ها که بی‌سر بر زمین لعل‌گونه در زیر سم ستوران رها گردید. پیران به دو برادر خویش، لهاک و فرشیدورد گفت اگر بدین‌گونه تا فرارسیدن شب جنگ ادامه یابد، کسی از سپاه ما به جای نخواهد ماند، سپاه را به چند پهلوان واگذارند و لهاک چند جنگجوی برگزید و به سوی کوه رود تا بخشی از نیروی ایرانیان از این رزمگه متوجه کوه شود و فرشیدورد با نیرویی چابک‌تر جانب رود را گیرد. دیده‌بانان که از آن فرازجای جنبش و جابه‌جایی سپاه ترکان را زیر نگاه داشتند، با شتاب تمام، سواری را نزد گودرز فرستادند که دو بخش از سپاه توران از تنه اصلی سپاه جدا گشته، در اندیشه کمین هستند. گودرز با آگاهی از این نیرنگ به پشت خویش نگاه کرد که چه کسی از سسران سپاه در نزدیکی اوست و هجیر، فرزند خویش، شیر شزه را بدید که در پشت پدر با تیغی تیز در دست نگهبان او بود، به او فرمان داد شتابان خود را به گیو رسانده، به او بگوید لشکر سوی رود و کوه به یاری روانه کند. هجیر دلیر خود را به برادر رسانده، گیو را از پیام پدر آگاه گرداند. گیو چون پیام را دریافت داشت، سپاه به فرهاد سپرد و دویست جنگجوی دلاور را به فرماندهی زنگه شاوران برگزید تا بر فرشیدورد بتازند و از رود گرد برآوند و دویست نیروی جنگی را به گرگین میلاد وانهاد تا راه بر لهاک بریندند و به بیژن گفت: «اکنون گاه شیرمردی است، از اینجا تا قلب سپاه بتاز و سینه سپاه را بشکافت تا به پیران دست یابی که پشت همه توران به اوست و چون به او دست یافتی، کارش را یکسره کن که با مرگ او سپاه ایران از رنج و سختی بیاساید و شاه جهاندار نیز شادمان شود و فراتر پشت افراسیاب شکسته گردد و دیده‌اش به خون نشیند».

اپیزود پیشنهادی: قهرمان بی نقاب: روایت حقوقی یک فیلم
اگر شما هم یکی از طرفداران فیلم و سینما هستیید و اخیرا موضوع فیلم «قهرمان» اصغر فرهادی به گوش‌تان خورده است، این اپیزود از پادکست چکش به این موضوع جنجالی با دید کاملا حرفه‌ای می‌پردازد. مقایسه دو محتوای شبیه به هم از دید حقوقی و هنری و ترغیب تعامل مخاطب با محتوای ارائه‌شده از زیبایی‌های این اپیزود است. آیا من و شما قانونا مالک یک قصه رسانه‌ای‌شده عمومی هستیم؟ برای شنیدن این پادکست تصویر زیر را اسکن کنید.

